

لزوم بازنگری در حقوق اشخاص ثالث

اهمیت توجه به حقوق اشخاص ثالث در قانونگذاری، تصمیمات قضایی،

روابط قراردادی و بین المللی

بر مبنای قواعد بنیادین حقوق، تصمیم و اقدام هر کسی باید نسبت به خود وی نافذ و معتبر باشد و نسبت به دیگران، که ثالث و بیگانه اند، بی تأثیر باشد یا دست کم به آن ها ضرری نرساند.

این اصل که بر مبنای شرع¹ و عقل استوار است باید در تمام حوزه های مختلف روابط انسانی مورد توجه و احترام قرار بگیرد؛ برای مثال حکم دادگاه باید در روابط دو طرف دعوی (اعم از حقوقی و کیفری) معتبر باشد ولی نه تنها گاه اشخاص ثالث از تصمیمات حقوقی (احکام و قرارهای دادگاه ها) در امور حقوقی متأثر می شوند² بلکه در شرایط کنونی اشخاص ثالث بیشترین زیان را از اجرای احکام کیفری می بینند. چنان که آسیب های ناشی از اجرای حکم بازداشت یک مجرم که بر همسر و فرزندان (بویژه فرزندان صغیر) وی وارد می شود بسیار سنگین و غیر قابل اغماض است؛ در صورتی که آن ها مستحق تحمل چنین وضع ناگواری نیستند. قانونگذار باید تمهیداتی بیاندیشد که افراد ثالث و بیگانه از اجرای احکام دادگاه ها حتی به طور غیر مستقیم آسیب نبینند و بدین سان به سبب تخلف همسر یا سرپرست خویش مورد مجازات قرار نگیرند.

در حوزه ی قراردادهای نیز وضع بدین منوال است؛ یکی از اصول مسلم قراردادی بی اعتباری قراردادهای نسبت به اشخاص ثالث است که در حوزه ی حقوق قراردادهای اعمال

1 - لها ما کتبت و علیها ما اکتبت (بقره/286).

2 - به ظاهر مقررات اعتراض شخص ثالث (مواد 417 به بعد ق.آ.د.م. و مواد 146 به بعد ق.ا.ا.م.) ورود (مواد 130 به بعد ق.آ.د.م.) و جلب شخص ثالث (مواد 135 به بعد ق.آ.د.م.) حاوی احکامی است که تا حدودی حقوق اشخاص ثالث را مورد توجه قرار داده اند.

می شود (مواد 231 و 196 ق.م.). مفاد این اصل در دیگر حوزه های حقوقی نیز قابل قبول است ولی گاه این اصل چنان که باید مورد توجه قرار نمی گیرد.

در تصمیم های حاکمیتی مدیران و حتی در قانونگذاری نیز باید حقوق اشخاص ثالث مورد توجه قرار بگیرد؛ ولی گاه برخی از تصمیم های مدیریتی و قوانین به ضرر اشخاص ثالث تمام می شود؛ برای مثال یکی از قوانین قابل ایراد قانون درمان ناباروری بیماران (زوجین) نابارور¹ است که جنین ها یا کودکان (بالقوه) را مانند کالاها قابل اهدا دانسته و نسبت به حقوق آن ها بی توجه بوده و رضایت بالفعل یا بالقوه ی آن ها را نادیده انگاشته است.

ضمانت اجراهای ناقص و ناکافی قوانین و مقررات، تفاسیر شخصی و نادرست، اجرای نادرست قوانین و احکام و نیز بروز مصداق های پر خطر و نوظهور موجب شده است که در موارد زیر حقوق اشخاص ثالث بیشتر آسیب پذیر باشد:

1- حقوق کودکان و محجوران؛ چنان که گفته شد: تفسیرهای تنگ نظرانه و نگاه حمایتی شخصی یا صنفی بر قوانین و مقررات ولایت بر محجوران و ضمانت از کودکان چنان است که برخی از آرای دادگاه ها و تصمیم های قضایی با هدف صرف حمایت از حقوق زن و شوهر یا با نگاه ترجیح حق یکی بر دیگری و بدون توجه به حقوق شخص ثالث (جامعه و کودک) اتخاذ و صادر می شود؛ در صورتی حقوق کودکان و جامعه و تربیت نسل سالم (از هر جهت) بر اختلافات زن و شوهر ترجیح دارد؛ به گونه ای که می توان گفت: اجرای تکالیف قانونی ناشی از پیوند زناشویی بیشتر اهمیت دارد تا حق پدر یا مادر بر فرزند. تصمیم های اولیای قانونی و سرپرست کودکان و محجوران نیز در شرایط عادی و متعارف اغلب با همین نگاه قابل ایراد اتخاذ می شود.

2- حقوق اشخاص حقوقی از جمله موقوفات و دولت؛ اشخاص حقوقی بویژه موقوفات به وسیله اشخاص طبیعی و موقوفات نیز با تولیت همان اشخاص اداره می شوند؛ مدیران و متولیان باید با رعایت حقوق و مصالح شخص حقوقی از جمله شخص حقوقی وقف

1 - مقصود، قانون نحوه ی اهدای جنین به زوجین نابارور (مصوب 1382) و آیین نامه ی اجرای آن (مصوب 1383) است.

تصمیمهای مدیریتی خود را اتخاذ نمایند و گرنه مسئولند. در پاره ای از موارد حقوق و مصلحت شخص حقوقی چنان که باید مورد توجه قرار نمی گیرد.

3- حقوق جمعی؛ امروزه اهمیت حقوق صنفی و جمعی از حقوق فردی کمتر نیست. بنابراین در روابط قراردادی و غیر قراردادی حقوق جمعی نیز باید مانند حقوق فردی و بیشتر از آن محترم شمرده شود؛ زیرا هیچ کس حق ندارد اعمال حق خود را وسیله ی اضرار به دیگری قرار بدهد.¹ بنابراین با قرارداد یا حکم یا رفتاری ولو در پوشش اجرای حکم یا قانون نباید به حقوق جمعی آسیب زد.

4- حقوق مالکان غایب و معذور؛ گرچه حق شخص غایب² برای دفاع محفوظ است (الغائب علی حجتہ) ولی بعد از انشا و اجرای حکم، شرایط به گونه ای است که یا اعتراض غایب بر طبق قانون شنیده نمی شود یا در صورت اقامه دعوی و حتی اثبات ادعا موضوع حق آسیب جدی دیده و برای مثال بارها مورد خرید فروش قرار گرفته و مأموران اجرای احکام را با چالش جدی مواجه می کند.

5- حقوق نسل های بعدی؛ منابع طبیعی فقط به نسل کنونی بشر اختصاص ندارد. بنابراین آن ها حق ندارند با برداشت بی رویه از منابع (از جمله نفت و معادن)، تخریب محیط زیست و از بین بردن معادن و تغییر اکوسیستم، حقوق طبیعی و فطری نسل های بعدی به خطر بیاندازند.

6- حقوق اشخاص ثالث در دعاوی؛ اثر تصمیمات دادگاه ها باید محدود بین اصحاب دعوی باشد و به اشخاص ثالث آسیبی نزنند. با وجود این گاه بر اثر نارسایی پاره ای از قوانین یا داوری نادرست قاضی علاوه بر دو طرف دعوی اشخاص ثالث از جمله خانواده طرف دعوی را نیز متضرر می کند برای مثال آسیبی که خانواده زندانی و جامعه از بازداشت وی می بیند بسیار جدی و قابل توجه است.

1 - اصل چهارم قانون اساسی مقرر می دارد: هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

2- بر مبنای برخی از نصوص روایی اقامه دعوی و صدور حکم علیه شخص غایب جایز است، الغایب یقضی علیه اذا قامت علیه الینه؛ برای مثال و برای مطالعه بیشتر ر.ک. به: نجم آبادی، آغا محمد، کتاب القضاء، جلد دوم، قم، نشر روضه العباس، چاپ اول، 1393، صص 324 به بعد.

7- حقوق اشخاص بی طرف در جنگ‌ها و منازعات بین دولت‌ها و قدرت طلبان؛ حقوق اشخاص بی طرف در جنگ‌ها و گروه‌های قدرت طلب متخاصم. سوء استفاده از گروه‌های بی طرف و ساختن سپر انسانی و تخریب منازل و محیط زندگی آن‌ها از غیر انسانی‌ترین شیوه‌هایی است که برخی از حاکمان و قدرت‌های نامشروع از آن بهره می‌گیرند.

8- حقوق مالکان واقعی در برابر دارندگان سند رسمی. اهمیت سند رسمی و اعتباری که قانونگذار برای آن ایجاد کرده است بر کسی پوشیده نیست ولی صدور سند‌های رسمی بدون احراز مالکیت واقعی صاحب سند، خطرناک است و نظم اجتماعی را آسیب می‌زند و حقوق مسلم اشخاص ثالث (طبیعی و حقوقی) را تضییع می‌کند.

9- انتشار عقاید انحرافی و گمراه‌کننده (به بهانه‌ی آزادی و در پوشش آن) در فضای مطبوعات و فضای مجازی و تکرار مطالب خلاف واقع؛

10- تبلیغات خلاف واقع؛ اتلاف وقت اشخاص ثالث با تبلیغات ناخواسته و انتشار اخبار دروغ و غیر واقعی.

11- تبانی دولت‌ها و تحریم‌ها؛

12- توسل به زور برای تحمیل عقاید نامشروع؛